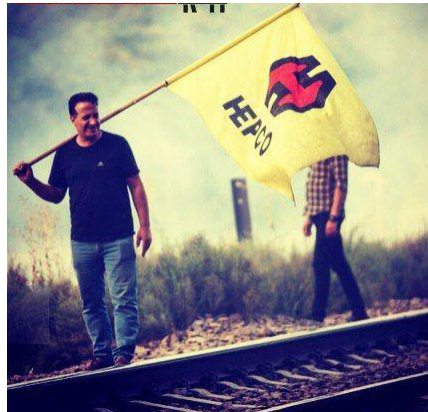


## هفت‌تپه، هپکو، آذراب و ضرورت اتحاد و مبارزه همبسته

جنبش طبقاتی کارگران به رغم نوسان دامنه اعتلاء آن، همچنان در حال پیشروی است. مبارزات کارگری در اشکال گوناگون بویژه در شکل اعتصاب، تجمع و اعتراض خیابانی ادامه دارد. در راس این مبارزات، اعتراضات و مبارزات کارگران هفت‌تپه، کارگران هپکو و کارگران آذراب، تمام صحنه سیاسی جامعه را تحت‌تاثیر قرار داده است. اتحاد و همبستگی کارگری، تلاش پیگیرانه و مستمر کارگران این واحدها در مبارزه برای تحقق خواست‌های خود، توجه حتماً بالاترین مقامات دولتی و حکومتی را که در چشم فروبستن بر این تیپ رویدادها، بد



در صفحه ۳

## مبارزه علیه اعدام، از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی جدا نیست

۱۰ اکتبر، روز جهانی مبارزه علیه اعدام نامگذاری شده است. مبارزه علیه اعدام، همواره بخشی از تلاش و پیکار طبقات فرودست و نیروهای مترقی جوامع بشری علیه طبقات ستمگر و فرادست بوده است. از همان آغاز شکل‌گیری جامعه طبقاتی، طبقات حاکم و حاکمان سرکوبگر برای حفظ سلطه سیاسی، طبقاتی و اجتماعی‌شان، همواره زندان و شکنجه و اعدام را به عنوان ابزارهای عریان سرکوبگری و انقیاد طبقات تحت ستم جامعه برگزیده اند. از این رو، اگر به سیر تحولات و مبارزات تاریخی - طبقاتی توده‌های ستمکش علیه طبقات ستمگر خوب بنگیریم، می‌بینیم از چنگال تاریخ خون می‌چکد. خون فوج فوج بردگانی که در مسلخ حاکمان نظام برده داری به صلیب کشیده شدند، خون بی

در صفحه ۱۰

## بهداشت و درمان رایگان حق همگانیست

حضور جوانان در میان آن‌ها چشمگیر بود، تابلوی اداره بهداشت و فرمانداری را پایین آورده و دفتر و ماشین امام جمعه شهر را به آتش کشیدند. در همین روز در برخی از شهرها همچون ایلام و اصفهان گروه‌هایی از مردم در حمایت از مردم روستای "چنار محمودی" و در اعتراض به بی‌لیاقتی دولت دست به تظاهرات

در صفحه ۶

روز چهارشنبه ۱۰ مهر، خبر آلوده شدن حدود ۲۵۰ نفر از اهالی روستای "چنار محمودی" از توابع شهرستان لردگان واقع در استان چهارمحال و بختیاری به ویروس HIV (ایدز) و اعتراض اهالی روستا بازتاب فراوانی در رسانه‌ها، بویژه شبکه‌های اجتماعی یافت. خبر هم هراسناک بود و هم نگران‌کننده. شنبه ۱۳ مهر در لردگان مردم خشمگین که

## پی‌آمد تجاوز نظامی ترکیه به منطقه کردنشین سوریه

روز چهارشنبه ۱۷ مهرماه، نیروهای مسلح رژیم ارتجاعی و اشغالگر ترکیه، یورش نظامی خود را برای اشغال مناطق کردنشین سوریه در سراسر مرز این کشور آغاز کردند. تدارک این حمله نظامی از پیش با توافق دولت آمریکا فراهم‌شده بود. در اواسط مردادماه اعلام شد، آمریکا و ترکیه توافق کرده‌اند که مشترکاً اداره مناطقی در مرز ترکیه در درون خاک سوریه را تحت عنوان منطقه امن بر عهده گیرند. اما این صرفاً یک توافق مقدماتی بود. چراکه دولت ترکیه در همان زمان اعلام کرد، طرفین "درباره تبدیل منطقه امن به یک گذرگاه صلح و در نظر گرفتن تدابیر لازم برای بازگشت شهروندان سوریه که از خانه خود رانده‌اند" توافق کرده‌اند. هم‌زمان اردوغان اولین مأموریت ترکیه را "پاک‌سازی شمال سوریه از تروریسم" خواند و گفت "دور تازه عملیاتی را که ادامه "سپر فرات" و "شاخه زیتون" خواهد بود، در آینده نزدیک انجام خواهیم داد." عملیات "سپر فرات" شهریور ۱۳۹۵ در حوالی شهر مرزی طرابلس در شمال سوریه صورت گرفت و ترکیه هدف از آن را پاک‌سازی منطقه از نیروهای داعش و نیروهای مسلح کرد اعلام کرد.

عملیات "شاخه زیتون" نیز در دی‌ماه ۱۳۹۶ علیه کردها انجام گرفت. شهر کردنشین عفرین مورد حمله نظامی قرار گرفت و به تصرف ترکیه درآمد.

دولت آمریکا در پی معامله با ترکیه، یگان‌های مدافع خلق، نیروی مسلح وابسته به نیروهای دمکراتیک سوریه را وادار به عقب‌نشینی در برخی مناطق کرد. اما در یک توافق دیگر میان ترامپ و اردوغان اعلام شد که نظامیان آمریکایی از این منطقه عقب‌نشینی خواهند کرد.

در صفحه ۲

## از آذراب تا هفت‌تپه، از هفت‌تپه تا لردگان

در صفحه ۵

## خلاصه اطلاعیه

## کمیته ی خارج کشور

در صفحه ۴

## اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست

## یورش ارتش ترکیه

به کردستان سوریه را قاطعانه محکوم می‌کنیم

در صفحه ۹

## پی‌آمد تجاوز نظامی ترکیه به منطقه کردنشین سوریه

دو روز پیش از حمله ارتش ترکیه، نیروی نظامی آمریکا منطقه را ترک کردند. کردهای سوریه این اقدام ترامپ را خنجر از پشت نامیدند و در درون هیئت حاکمه آمریکا پشت کردن به کردها که نقش مهمی در شکست گروه اسلام‌گرای داعش داشتند و رها کردن آنها در مقابل ارتش ترکیه، موجی از مخالفت‌ها و انتقادات را برانگیخت. ترامپ در پاسخ به این مخالفت‌ها بی‌شرمانه نوشت:

"کردها همراه ما جنگینند، اما برای این کار مبلغ هنگفتی از پول و تجهیزات به آن‌ها داده شد. آن‌ها چندین دهه است که با ترکیه می‌جنگند. من تقریباً ۳ سال جلوی این نبرد را گرفتم، اما زمان آن فرارسیده‌است که ما از این جنگ‌های مسخره بی‌پایان، که بسیاری از آن‌ها قبیله‌ای هستند، خارج شویم و سربازانمان را به خانه برگردانیم." "ما درجایی جنگ خواهیم کرد که به نفعمان باشد، و تنها وقتی مبارزه می‌کنیم که برنده بشویم."

بر طبق قرارمادهای میان ترکیه و دولت آمریکا، ترکیه قصد دارد یک منطقه به اصطلاح امن به عمق ۳۲ کیلومتر در مرز ۴۸۰ کیلومتری خود با سوریه ایجاد کند و یک جمعیت حدود ۲ میلیونی پناهنده‌گان سوری را از داخل ترکیه به این منطقه منتقل نماید.

روز ۱۳ مهرماه اردوغان اعلام کرد که نیروی نظامی این کشور در ظرف ۲۴ ساعت حمله به مناطقی در شرق فرات را آغاز خواهد کرد.

دو روز پس از ترک نیروهای نظامی آمریکا، ارتش ترکیه عملیات نظامی گسترده‌ای را تحت عنوان "چشمه صلح" با بمباران و موشکباران شهرها و روستاهای مرزی و گسیل ارتش به همراه گروه نظامی سوری تحت حمایت ترکیه موسوم به ارتش ملی سوریه را به درون سوریه آغاز کرد.

نیروی نظامی تجاوزکار ترکیه در همان حال که تمام شهرها و روستاهای منطقه مرزی را با توپباران و بمباران هوایی موردحمله قرار داده است تا کردهای این منطقه را وادار کند به مناطق امن فرار کنند، تمرکز اصلی را بر اشغال شهرهای رأس العین (سری‌کانی) و تل‌ابیض قرارداد که تراکم جمعیت در آن‌ها کم است و ترکیب جمعیت آن‌ها عرب و کردی است. ارتش ترکیه و گروه مزدور مسلح موسوم به ارتش ملی سوریه از ۳ محور به شهر رأس العین یورش بردند و درگیری‌های شدیدی بین آن‌ها و نیروهای دموکراتیک سوریه رخ داد. اشغالگران پس از تصرف روستاهای اطراف رأس العین، روز شنبه وارد بخش‌هایی از شهر شدند. سپس دولت ترکیه تصرف آن را توسط گروه وابسته به خود، ارتش ملی سوریه اعلام کرد. نیروهای کرد هنوز رسماً آن را تایید نکرده‌اند. در جبهه‌های دیگر از جمله در قامیشلی نیز درگیری‌ها و بمباران‌ها تشدید شده است. تا روز شنبه حداقل ۳۰ غیرنظامی و ده‌ها زخمی گزارش شده است. اخباری از اعدام کردها توسط ارتش ملی سوریه نیز انتشار یافته است. مرکز نظارت بر حقوق بشر سوریه گفته است

بیش از یکصد نفر از نیروهای کرد از زمان آغاز عملیات ارتش ترکیه در روز چهارشنبه کشته شده‌اند. گزارش منابع بین‌المللی حاکی است که تاکنون حدود ۲۰۰ هزار نفر آواره شده‌اند.

هدف دولت ترکیه از این تعرض نظامی به مناطق تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه و اشغال مناطق مرزی چیست؟ آیا هدف آن صرفاً سرکوب کردها و یگان‌های دفاع خلق، شاخه پ-ک-ک است یا اهداف دیگری را در این تجاوز و اشغالگری دنبال می‌کند؟ دولت ترکیه در این تعرض به مناطق تحت کنترل کردهای سوریه دو هدف اصلی را دنبال می‌کند.

نخست این‌که دولت ترکیه که همواره سیاست سرکوب و به بند کشیدن کردها را در داخل ترکیه در دستور کار داشته، پس از بحران سوریه و قدرت گیری کردهای این کشور شدیداً نگران بوده است که خود مدیریت کردهای سوریه به الگویی برای کردهای ترکیه تبدیل شود، به‌ویژه که قدرت اصلی آن در دست شاخه‌ای از پ-ک-ک است. بنابراین همواره مترصد فرصت مناسب برای ضربه زدن به آن‌ها بوده است. تا وقتی‌که کردها، تحت حمایت دولت آمریکا قرار داشتند، ترکیه نمی‌توانست به‌سادگی این هدف خود را عملی سازد، گرچه در گذشته نیز به بهانه مبارزه با داعش تلاش نمود این هدف خود را پیش ببرد. بنابراین، اکنون پس از بندوبست با دولت آمریکا، این فرصت را پیدا کرد که هدف خود را عملی سازد، مناطق مرزی را از کنترل یگان‌های منافع خلق درآورد و با تغییر بافت جمعیتی منطقه و جایگزینی پناهنده‌گان عرب سوری، پیوند سرزمینی کردهای سوریه و ترکیه را نیز قطع کند و آن‌ها را به شهرهای دیگر سوریه سوق دهد. هدف دوم ترکیه نقشی است که می‌خواهد در تحولات آتی سوریه داشته باشد. پس از پیشروی رژیم سوریه در برخی مناطق که از حمایت ترکیه برخوردار بودند و رانده شدن آن‌ها به اذلب، موقعیت ترکیه در اجلاس‌های سه‌جانبه روسیه، جمهوری اسلامی و ترکیه بر سر نقش و سهم هر یک در سوریه تضعیف شده بود. بنابراین، به‌رغم برگزاری چندین جلسه نتوانست توافقی میان آن‌ها صورت بگیرد. دولت ترکیه با این اقدام نظامی و باهدف اشغال تمام مناطق مرزی سوریه می‌کوشد توازن سیاسی را در مورد نقش این سه دولت برهم زند که در واقع تغییری به زیان جمهوری اسلامی ایران و به نفع دولت ترکیه خواهد بود. از همین روست که جمهوری اسلامی، رژیمی که دشمنی آشفتنی‌ناپذیری با کردها دارد و پیوسته آن‌ها را در ایران سرکوب کرده است، بیشترین مخالفت را در میان دولت‌ها با اقدام نظامی ترکیه ابراز داشته تا جایی که حتی مانعی بر سر راه تظاهرات مردم شهرهای کردستان ایران علیه اردوغان و حمایت از کردهای سوریه ایجاد نکرد. اما موضع روسیه در این میان چیست؟ اردوغان اعلام کرد که با پوتین بر سر این اقدام نظامی علیه کردهای سوریه تلفنی گفتگو کرده است و گفته است «عملیات نظامی که قرار است ترکیه در شرق رود فرات ترتیب دهد، به تأمین

صلح و ثبات در سوریه یاری خواهد کرد و راه روند سیاسی در این کشور را بازخواهد کرد». از موضع‌گیری‌های تا کنونی روسیه چنین برمی‌آید که اگر پوتین موافق هم نبوده باشد، مخالف نیست. چنانچه شاهد بودیم آمریکا و روسیه مانع از تصویب قطعنامه اتحادیه اروپا علیه ترکیه شدند. البته ناگفته نماند که دولت‌های اروپایی هم‌دلشان به حال کردها نسوخته است. آن‌ها هم منافع و محاسبات خود را نظیر ترامپ دارند. آن‌ها هم مکرر اعلام کرده‌اند که نگرانی‌های ترکیه را درک می‌کنند. دبیر کل ناتو هم که به ترکیه سفر کرد، اعلام کرد ترکیه "نگرانی‌های امنیتی مشروعی" دارد اما او انتظار دارد این کشور "با خوشبین‌داری عمل کند."

نفع روسیه اما در این میان چیست؟ کمترین نفع آن برای روسیه این می‌تواند باشد که کردهای سوریه از این‌پس به سمت روسیه و رژیم سوریه سوق داده شوند. از همین روست که وزیر خارجه روسیه خواستار "آغاز گفت‌وگوها میان گروه‌های کرد با دمشق" شده است. در همین حال اخباری از توافق روسیه، آمریکا و نیروهای دموکراتیک سوریه برای تصرف برخی شهرها از جمله منبج، توسط ارتش سوریه انتشار یافته است. اما نکته مهم‌تر در این میان، موضع‌گیری پوتین در آستانه سفر به عربستان است.

وی در جریان یک مصاحبه تلویزیونی گفت: «کسانی که به‌صورت غیرقانونی در خاک کشور دیگری حضور دارند، در این مورد فعلاً منظور در خاک سوریه است، باید این کشور را ترک کنند و این مسئله شامل همه کشورها می‌شود و اگر رهبران قانونی آینده سوریه بگویند که دولت سوریه دیگر به حضور نیروهای نظامی روسی در این کشور احتیاجی ندارد، این مسئله شامل حال روسیه هم خواهد شد». وی افزود: «من همیشه با هم‌تایان خود درباره ضرورت رها کردن سوریه از شر حضور نظامی خارجی صحبت کرده‌ام».

او در این مصاحبه از یک دولت جدید و قانونی صحبت می‌کند که احتمالاً باید با توافق سه دولت ترکیه، روسیه و جمهوری اسلامی بر سرکار بیاید و همه نیروهای نظامی خود را از سوریه بیرون بکشند. این طرح البته قبل از همه با مخالفت جمهوری اسلامی روبه‌رو خواهد شد که هم خواستار حفظ رژیم بشار اسد است و هم این‌که نیروی نظامی خود را در سوریه به‌عنوان یک منطقه استراتژیک در کنار اسرائیل و لبنان حفظ کند. ترکیه با کنار رفتن بعضی‌ها و یک دولت جدید البته موافق است، اما بیرون رفتن از سوریه منوط به استقرار ارتش ملی سوریه و پناهنده‌گان سوری در مناطق اشغالی خواهد بود که از هم‌اکنون تعرض نظامی خود را برای عملی کردن آن آغاز کرده است. همه این‌ها اما مشروط می‌شود به این‌که ارتش ترکیه بتواند مناطقی را که هدف گرفته است در مدت کوتاهی تصرف کند. اگر مقاومت مردم کرد ادامه یابد و ترکیه نتواند بدون برخورد به معضل جدی به اهداف خود دست یابد، در آن صورت این احتمال نیز هست که جنگ داخلی و مداخله دولت‌های خارجی بار دیگر در سوریه وسعت گیرد و نه‌فقط پای مستقیم‌تر دولت‌ها به میان خواهد آمد،

## هفتتپه، هپکو، آذراب و ضرورت اتحاد و مبارزه همبسته



مشکلات فزاینده‌ای روبرو شده‌اند و مدت‌هاست که خواهان تعیین تکلیف این واحدها، لغو خصوصی‌سازی و بازگرداندن تملک و اداره آن به دولت هستند.

نزدیک به ۳ هزار کارگر این دو واحد صنعتی در معرض اخراج و بیکاری و در استرس دائمی بسر می‌برند. این کارگران علاوه بر لغو خصوصی‌سازی، خواهان پرداخت مطالبات معوقه، ادامه کاری کارخانه، ضمانت شغلی، پرداخت به موقع دستمزدها و پرداخت حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی و بهبود وضعیت دستمزدها و بیمه هستند و در راستای تحقق مطالبات خود، اعتصابات و اعتراضات خیابانی متعدد و باشکوهی را نیز سازمان داده‌اند.

دور جدید اعتصابات و اعتراضات خیابانی هپکو و آذراب که از اوایل شهریور آغاز شده بود، درمهرماه نیز ادامه یافت. یورش وحشیانه به صفوف کارگران در ۲۵ شهریور و ضرب و شتم و بازداشت و حبس دو هفتگی ده‌ها کارگر هپکو که سرانجام با قید وثیقه آزاد شدند، واکنش اعتراضی عموم کارگران و سایر زحمتکشان را برانگیخت. واکنش نسبتاً وسیع در قبال این وحشی‌گری‌ها و هراس رژیم از گسترش اعتراضات کارگری در آراک، مقام‌های دولتی را به سیاق همیشگی به وعده و وعید واداشت. آن‌ها قول دادند به مشکلات هپکو رسیدگی و تکلیف مدیریت آن تا اول مهرماه روشن خواهد شد. حتی شخص رئیس‌جمهور حسن روحانی نیز در این مورد پیامی صادر کرد. به‌رغم این اما تا این لحظه هیچ‌کدام از خواست‌های کارگران برآورده نشده است.

در آذراب نیز کارگران با خواست‌های مشابه هپکو، در شهریورماه وارد اعتصاب شدند و به اعتراض خیابانی روی آوردند. آن‌گاه فرصت کافی برای رسیدگی به مطالبات خود به مقامات دولتی دادند. وعده‌های معمول دولتی تکرار شد. در این جا نیز عین هپکو تمام وعده‌های مقامات دولتی پوچ از کار درآمدند. آذراب ۱۴ مهر وارد اعتصاب و بی‌درنگ راهی خیابان شد. روز بعد کارخانه آذراب به محاصره نیروهای سرکوب درآمد که با توسل به قهر و شلیک گاز اشک‌آور مانع خروج کارگران از کارخانه شدند. اعتراض کارگران آذراب در محوطه کارخانه ادامه یافت. ده‌ها کارگر هپکو و آذراب در جریان این اعتراضات مورد ضرب و شتم قرار گرفته و ده‌ها تن دیگر بارها به پلیس امنیت احضار شده و مورد ارباب و تهدید واقع شده‌اند. تمام خواست‌های کارگران جز پرداخت یک‌ماه حقوق عقب‌افتاده (مرداد) کماکان معوق مانده است. مقامات مختلف دولتی از استاندار استان مرکزی گرفته تا مدیرکل کار استان مرکزی هیچ اقدامی

نشانده‌اند. کارگران هفتتپه در برابر این اندیشه شوم و روش مودبانه کارفرما که تصور می‌کرد با تمدید قرارداد ۱۷ کارگر از ۲۰ کارگر اخراجی، اعتصاب پایان می‌یابد و کارگران را از سر خواهند گرفت، به‌طور متحد و یکپارچه ایستادند و با تاکید بر بازگشت به کار هر ۲۰ کارگر اخراجی، به اعتصاب ادامه داده‌اند. کارفرما که تصور می‌کرد با واریز کردن یک ماه حقوق کارگران و وعده پرداخت بقیه آن، می‌تواند کارگران را از ادامه اعتصاب منصرف سازد، با پاسخ قاطع کارگران که مجموعه مطالبات، بویژه لغو خصوصی‌سازی باید عملی شود، روبرو گردید. کارفرما و حامیان آن در دستگاه قضایی، انتظامی و امنیتی بر این تصور بودند که با احضار گروهی کارگران اعتصابی و ارباب و تهدید آن‌ها و نیز با حضور نیروهای انتظامی در محوطه شرکت و ایجاد فضای ترس و رعب، می‌توانند کارگران هفتتپه را مرعوب سازند و از ادامه اعتصاب بازدارند. کارفرما و حامیان دولتی آن خیال می‌کردند با ربودن ۱۱ کارگر هفتتپه در بین راه شوش - تهران (۱۴ مهر) و انتقال آن‌ها به دادگستری شوش و در نهایت بازداشت و حبس ۶ کارگر و تعیین وثیقه‌های سنگین توسط دادستان شوش که با دخالت جعفری چگنی رئیس دادگستری شوش به دو برابر افزایش یافت، می‌توانند دل کارگران را خالی و پای‌شان را سست کنند و اعتصاب را به شکست بکشانند، اما هیچ‌یک از این فشارها و ترندها و تاکتیک‌ها تاکنون نتوانسته است کارگران را از ادامه اعتصاب و مبارزه بازدارد. آخرین تلاش کارفرما برای درهم شکستن اعتصاب نیز با شکست و ناکامی روبرو شد. اسد بیگی که روز شنبه ۲۰ مهر، همراه با گروهی از نیروهای سرکوب و امنیتی و حراسی در میان کارگران شبخت عصر حضور یافت و با ایجاد یک فضای شبه پادگانی، سعی کرد با تهدید و ارباب، اعتصاب را در هم بشکند. او اما در برابر واکنش و پاسخ‌های قاطع کارگران مجبور شد با زبونی و درماندگی محل را ترک کند. کارگران مبارز و آگاه هفتتپه، با حفظ اتحاد و هوشیاری و تأکید بر جمیع خواست‌های خود به اعتصاب ادامه داده‌اند. اعتصابی که با خواست بازگشت به کار ۲۰ کارگر اخراجی آغاز شد و در ادامه با خواست‌های دیگری مانند پایان پرونده‌سازی‌ها، احضارها و تعقیب و پیگرد قضایی و امنیتی کارگران لغو احکم صادره برای محمد خنیفر و اسماعیل بخشی، پرداخت فوری تمام مطالبات معوقه، پرداخت حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی و بالاخره خواست محوری کارگران، لغو خصوصی‌سازی گشت و صنعت نیشکر هفتتپه و برگرداندن مالکیت و اداره شرکت به دولت با نظارت و مشارکت خود کارگران ادامه یافته است.

در هپکو و آذراب نیز چه از لحاظ وضعیت تملک و ادامه کاری کارخانه و چه از نظر خواست‌های کارگران، وضعیت تقریباً مشابهی حاکم است. کارگران هپکو و آذراب نیز از لحظه واگذاری این شرکت‌ها به بخش خصوصی، با

طولایی دارند نیز به خود جلب نموده است. دولت جمهوری اسلامی که مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفتتپه، شرکت هپکو و صنایع آذراب را مانند ده‌ها و صدها واحد صنعتی واگذار شده به بخش خصوصی به حال خود رها کرده بود، در اثر تشدید مبارزات اعتراضی کارگران این واحدها و استمرار آن، مجبور شده است بی‌تفاوتی‌های گذشته را کنار نهد و برای جلوگیری از رشد و گسترش بیشتر مبارزات بیش از شش هزار کارگر این واحدها و تسری آن به کارخانه‌ها و صنایع و شرکت‌های دیگر، چاره‌ای بیاندیشد.

بلاتکلیفی وضعیت تملک و اداره این واحدها، ابهام و ناروشتی در ادامه کاری آن‌ها، عدم پرداخت به‌موقع دستمزد، عدم پرداخت حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی، تق و لقی شدن وضعیت تولید، گاه توقف آن، اضطراب و نگرانی دائمی کارگران را به حد اعلا رسانده و آینده شغلی کارگران این واحدها را که تاکنون قریب به ده هزار اخراجی داشته‌اند، در معرض خطر جدی قرار داده است. سیاست خصوصی‌سازی رژیم و عملکرد فاجعه‌بار سازمان خصوصی‌سازی، تولید در صدها واحد صنعتی و تولیدی را به قهقرا برده و یا متوقف نموده است. با اجرای این سیاست، صدها واحد تولیدی و صنعتی به کلی تعطیل شده و صدها هزار کارگر از کار بیکار نموده‌اند. ادامه همین سیاست است که هزاران کارگر دیگر از جمله در هفتتپه، هپکو و آذراب و امثال آن را نیز در یک قدمی اخراج قرار داده است.

اگر که واحدهایی چون هفتتپه، هپکو، آذراب (و فولاد اهواز) به سرنوشت صدها واحد تولیدی مشابه دچار نشده‌اند و چرخ تولید در این واحدها ولو لنگ لنگان هنوز در چرخش است، از آن روست که کارگران مبارز این واحدها در برابر سیاست خانمان برانداز خصوصی‌سازی قد علم کرده‌اند و با مبارزات پیگیرانه خود نگذاشته‌اند این واحدهای مهم صنعتی به سرنوشت صدها واحد تعطیل شده دچار گردند. مبارزات کارگران این سه شرکت در طول تمام سال‌های پس از واگذاری آن‌ها به بخش خصوصی، گویای همین واقعیت است. اعتصابات و مبارزات کارگران در سال‌ها و ماه‌های گذشته به کنار، نگاهی به مبارزات کارگران در دو سه هفته اخیر نیز بیان‌کننده تداوم مبارزه و مقاومت کارگران در مقابل روندی است که اخراج و بیکاری گسترده کارگران این شرکت‌ها را رقم می‌زند.

در هفتتپه اعتصابی که از اول مهر در اعتراض به اخراج ۲۰ کارگر آغاز شده و تا این لحظه (یکشنبه ۲۱ مهر) وارد بیست‌ویکمین روز خود شده است، ادامه دارد. تمام تلاش‌ها، تهدیدها و ترندهای کارفرما و حامیان دولتی آن و شورای اسلامی کار دست‌ساز آن‌ها برای ایجاد چند دستگی در میان کارگران و در هم شکستن اعتصاب با شکست روبرو شده است. کارگران مبارز هفتتپه، با حفظ اتحاد و هوشیاری، در برابر تاکتیک‌ها و روش‌های کارفرما و حامیان وی ایستاده‌اند و تسلیم فشار و تهدید و ارباب

## هفت‌تپه، هپکو، آذراب و ضرورت اتحاد و مبارزه همبسته



### خلاصه اطلاعیه کمیته ی خارج کشور

در رابطه با تهاجم نظامی دولت ترکیه به مناطق کردنشین در سوریه

در اطلاعیه ای که از سوی کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت) در روز پنج شنبه، دهم اکتبر (هجدهم مهرماه) صادر شد، حمله ی دولت فاشیستی و مرتجع ترکیه به سرکردگی اردوغان به مناطق کردنشین شمال کشور سوریه به شدت محکوم گردید.

در این اطلاعیه به فاجعه ی انسانی که این جنگ تحمیلی تاکنون در منطقه به بار آورده و به طور فزاینده نیز بر ابعاد و وخامت آن افزوده می شود، پرداخته شده است. با توجه به تجربه ی اشغال نظامی عفرین توسط دولت ترکیه و وضعیت اسفناک حاکم بر مردم این شهر پس از اشغال نظامی و خیل کشته گان و مجروحین و آوارگان، می توان به روشنی پیش بینی کرد که عواقب یورش نظامی اخیر ترکیه به مناطق کردنشین به مراتب بسیار شدیدتر از فاجعه ای خواهد بود که در عفرین رخ داد و کل منطقه را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

دولت اردوغان که این عملیات تجاوزگرانه را بشیرمانه "چشمه صلح" نامیده و منظور از این تهاجم را "مبارزه با تروریسم" و ایجاد "منطقه امن" به بهانه ی اسکان پناهنجویان سوریه ای در ترکیه نکر کرده، اهداف گوناگونی را دنبال می کند. یکی از اهداف مهم این جنگ تحکیم قدرت سیاسی دولت ترکیه در منازعات بین دولت های ارتجاعی منطقه و نیروهای امپریالیستی بر سر تقسیم قدرت است. دولت اردوغان که با بحران عمیق سیاسی و اقتصادی در درون کشور خود مواجه است، از جنگ به عنوان ابزاری برای تحریف اذهان عمومی در داخل، تقویت ناسیونالیسم مذهبی و فرقه‌گرایانه و به حاشیه راندن و منزوی کردن نیروهای مترقی و چپ در این کشور استفاده بهره می گیرد، و هدف استراتژیکی که دنبال می کند، پیشبرد سیاست فاشیستی خود یعنی سرکوب و کشتار کردهای منطقه است.

در این اطلاعیه بر ضرورت مبارزه و مقاومت مردم منطقه با تکیه بر اراده و نیروی رزمندگی خود، بدون چشم داشتن به حمایت نیروهای امپریالیستی به ویژه دولت ترامپ تاکید شده و تمام نیروهای مترقی، آزاده و کمونیست جهان را به همبستگی با مردم مناطق شمال سوریه علیه جنگ ناخواسته و سیاست های جنایتکارانه ی اردوغان فرامی خواند.

**زنده باد همبستگی بین المللی کارگران**

**نابود باد نظام سرمایه داری**

**برقرار باد سوسیالیسم**

**کمیته خارج کشور سازمان فدائیان**

**(اقلیت)**

**۱۰ اکتبر ۲۰۱۹ (۱۸ مهر ۱۳۹۸)**

اهواز و نظیر آن را خود بدست گیرد. کارگران نیز در چنین حالتی باید با اعمال نظارت و مشارکت خود در این روند، راه های تخلف و تقلب و دوز و کلک های احتمالی مقامات دولتی را مسدود سازند.

اقدامات تاکتونی دولت از قبیل جابجایی و تغییر افراد و مدیران و تغییر سهامدار کارخانه، هیچ کدام پاسخگوی مساله نبوده است و نخواهد بود. تحرکات نیمبند سازمان خصوصی سازی و اتلاف وقت برای جایگزینی سهامدار و خریدار جدید این واحدها نیز نتیجه ای در بر نداشته و مهمتر این که هیچ گرهی از مشکلات کارگران را حل نخواهد کرد. در حال حاضر نیز چنین به نظر می رسد که نه دولت و نه سازمان خصوصی سازی آن و وزارتخانه ها و کل کابینه روحانی، هیچ گونه برنامه مشخص و دقیقی برای حل مشکلات این واحدها و بطریق اولی حل مشکلات کارگران شاغل آن ندارند و اساساً در فکر کارگران و آینده شغلی آن ها نیستند.

کارگران تنها با اتحاد و مبارزه مستمر خود می توانند دولت را وادار به عقب نشینی کنند و خواست های محوری خود را بر آن تحمیل کنند. استمرار مبارزه، حفظ و تقویت اتحاد و همبستگی و گسترش این مبارزات با دعوت از کارگران سایر واحدها و کارخانه ها برای پیوستن به آن، می تواند دولت را وادار به عقب نشینی کند. کارگران آذراب و هپکو در شعارهای متعدد خود از جمله "مشکل ما حل نشه - شهر قیامت میشه" و کارگران هفت تپه با شعار "اسماعیل رو گرفتن - ما همه بخشی هستیم" نشان داده اند که مبارزه در این واحدها، حتی اعتصاب و اعتراضات فعلی متوقف شود، تا رسیدن به تمام خواست ها ادامه خواهد داشت. اتحاد و مبارزه متشکل و همبسته، ضامن پیروزی این مبارزات است. اتحاد و مبارزه متشکلی که هفت تپه، هپکو و آذراب شمه هایی از آن را به نمایش گذاشته اند.

جز وعده برای رسیدگی به مشکلات آذراب انجام ندادند. بنابراین مبارزه در هپکو و آذراب برای لغو خصوصی سازی این دو واحد و تحقق سایر مطالبات کارگران همچنان ادامه دارد.

هفت تپه، هپکو و آذراب نمونه های برجسته واحدهای تولیدی واگذار شده ای هستند که مبارزه مستمر و مقاومت کارگران مانع توقف و تعطیل کامل آن شده است. این مقاومت و مبارزه، یک مبارزه و مقاومت عمومی در سطح این واحدهاست. کارگران در طرح خواست های خود و مقابله با سیاست خصوصی سازی رژیم با وحدت و یگانگی کم نظیری وارد عرصه مبارزه و رودرویی با کارفرماها و دولت حامی آن ها شده اند. این اتحاد و همدلی و همبستگی نه فقط مشمول کارگران واحدهای جدا از هم اما درگیر با مسائل و مشکلات واحد را در پی داشته است، بلکه نمونه های درخشانی از اتحاد و همبستگی طبقاتی میان کارگران واحدهای مختلف را نیز به نمایش گذاشته است. اتحاد و همبستگی مبارزاتی میان هپکو و آذراب کم نظیر بوده است. حمایت این دو از هفت تپه مثال زدنی است. گام های اولیه در ابراز همبستگی و پشتیبانی سایر کارگران از جمله کارگران سایر واحدهای صنعتی اراک از نمونه واکن سازی پارس و مانند آن نیز برداشته شده است. اتحاد و گسترش صفوف همبسته کارگران، این، آن چیزی است که با تمام نیرو باید آن را تقویت کرد. این آن چیزی است که می تواند ضامن پیروزی کارگران باشد.

مبارزه برای لغو خصوصی سازی در این واحدها که امروز حتا از درون حکومت در مذمت آن بسیار سخن می گویند، مبارزه ای است کاملاً مشروع و برحق و دولت نه فقط نمی تواند نسبت به این اعتراضات بی تفاوت باشد، بلکه حتا بر طبق قوانین مصوب خود نیز موظف است در واگذاری این واحدها تجدینظر کند و اداره این واحدها و کارخانه های مشابه آن از نمونه فولاد

**زنده باد استقلال طبقاتی کارگران**



## از آذربایجان تا هفت‌تپه، از هفت‌تپه تا لردگان

در روزهای اخیر شهرهای ایران شاهد اعتراضات گوناگونی بودند. از تجمع معلمان بازنشسته در روز جهانی معلم تا تظاهرات خشمگین مردم و بویژه جوانان شهر لردگان. کارگران نیز در این روزها در مراکز کارگری و خیابان‌های شهرها دست به اعتراضات متعددی زدند، از کارگران کنترساز قزوین و قند فسا و شهرداری‌ها تا کارگران آذربایجان و مجتمع نیشکر هفت‌تپه.

کارگران هفت‌تپه امروز سه‌شنبه ۱۶ مهر و در شانزدهمین روز اعتصاب در محوطه شرکت و در برابر دفتر مدیریت به اعتراضات خود ادامه دادند. اعتصاب اخیر کارگران در پی اخراج بیست نفر از کارگران و با خواست بازگشت به کار کارگران اخراجی آغاز شده بود که در ادامه، دیگر خواست‌های مهم کارگران نیز به این خواست افزوده گردید. خواست‌هایی همچون لغو خصوصی‌سازی، آزادی اسماعیل بخشی و لغو تمامی احکام قضایی علیه کارگران هفت‌تپه و بسته شدن تمام پرونده‌هایی که در دستگاه‌های امنیتی و قضایی و پلیسی رژیم علیه کارگران به جریان افتاده است. به‌رغم تمامی وعده‌های مقامات دولتی، نه تنها حرکتی در راستای برآوردن خواست‌های کارگران صورت نگرفت، بلکه روز یکشنبه ۱۴ مهر، تعدادی از کارگران هفت‌تپه بازداشت شدند که تا لحظه صدور این اطلاعیه هنوز ۶ نفر از آنها با صدور قرار وثیقه از ۱۰۰ تا ۶۰ میلیون تومانی در بازداشت بسر می‌برند. کارگران هفت‌تپه در روزهای قبل هشدار داده بودند که در صورت عدم برآوردن خواست‌هایشان، اعتراضات خود را در اشکال دیگر و موثرتری ادامه خواهند داد.

کارگران کارخانه آذربایجان نیز از روز یکشنبه ۱۴ مهر دور جدید اعتراضات خود را آغاز کردند. در این روز کارگران در میدان ورودی شهر، سه راه خمین به اراک، تجمع کرده و ضمن بستن جاده، خواستار لغو خصوصی‌سازی شرکت و حل مشکل مالکیت آن شدند. در فردای آن روز نیز در حالی که کارگران قصد تکرار حرکت اعتراضی خود در سطح شهر را داشتند، نیروهای ضد شورش پلیس با حضور گسترده در برابر کارخانه و با شلیک گاز اشک‌آور مانع حرکت کارگران به سمت خیابان‌های شهر شدند.

کارگران آذربایجان همچون کارگران هیکو، هفت‌تپه و بسیاری از کارگران دیگر در اقصا نقاط کشور، قربانی سیاست‌های ضد کارگری دولت سرمایه‌داری ایران و سیاست خصوصی‌سازی آن شده و در اعتراض به این سیاست بارها دست به اعتراض زده‌اند. کارگران آذربایجان همچنین بارها همراه با کارگران هیکو دست به اعتراض در سطح شهر زده‌اند. در جریان اعتراضات کارگران هیکو در ۲۵ شهریور که مورد تهاجم وحشیانه نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفت و حدود ۳۰ کارگر دستگیر و تعدادی نیز مجروح شدند، این کارگران آذربایجان و واگن پارس اراک بودند که در حمایت از رفقای کارگیشان دست به راهپیمایی و تجمع اعتراضی زده بودند.

روز شنبه ۱۳ مهرماه نیز مردم و بویژه جوانان خشمگین لردگان خیابان‌های شهر را به تسخیر خود درآورده و ضمن پایین کشیدن تابلوهای اداره بهداشت و فرمانداری، دفتر و ماشین امام جمعه این شهر را به آتش کشیدند. اعتراضات لردگان در پی انتشار اخباری صورت گرفت که حاکی از آلوده شدن حدود ۲۵۰ نفر از اهالی روستای چنار محمودی به ویروس HIV (ایدز) بود. آن‌چه که خشم مردم لردگان و روستای چنار محمودی را فوران ساخت، برخورد و سخنان مقامات دولتی بود که آلوده شدن اهالی روستا را به گردن مردم روستا انداخته بودند. مردم لردگان نیز با هدف قرار دادن مراکز دولتی نشان دادند که از نظر آن‌ها مقصر اصلی دولت جمهوری اسلامی است.

در جریان اعتراض جوانان لردگان، تعدادی از آن‌ها توسط نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی دستگیر شدند. همچنین براساس تصاویری که در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافته، روز یکشنبه ۱۴ مهر، اهالی روستای چنار محمودی در اعتراض به عوام‌فریبی مقامات حکومتی به ماشین حامل استاندار چهارمحال و بختیاری و معاون بهداشت وزارت بهداشت حمله کردند.

آتشی که در لردگان زبانه کشید، آتش خشمی است که در وجود تمام کارگران و زحمتکشان ایران انبار شده است، خشمی که اگر به پهنای کشور زبانه کشد دیگر اثری از جمهوری اسلامی باقی نخواهد گذاشت.

اعتراضات اخیر گواه دیگری است که کارگران و زحمتکشان ایران هیچ اعتمادی به رژیم و جناح‌های آن ندارند. این‌که آن‌ها با دولتی سر و کار دارند که نه به فکر معیشت مردم است، نه به فکر کار آن‌ها، نه به فکر بهداشت و درمان آن‌ها و نه به فکر آموزش و پرورش. دولتی که فساد تمام ارکان آن را دربرگرفته است. دولتی دینی و جنایتکار که فقط به فکر پیشبرد سیاست‌های جاه‌طلبانه خود در منطقه است و در این راه قربانی کردن مردم برای اش اهمیتی ندارد.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت از مبارزات و خواست‌های کارگران، معلمان و دیگر زحمتکشان جامعه، جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری حاکم را عامل تمامی مصائب جامعه می‌داند و معتقد است تنها راه برای کارگران و زحمتکشان سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان است. بی‌شک اتحاد کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه، حمایت از خواست‌ها و مبارزات یکدیگر و مشارکت عملی در مبارزات، می‌تواند گام‌های مهمی جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران را به پیش براند.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**

**نابود باد نظام سرمایه‌داری**

**سازمان فدائیان (اقلیت)**

**۱۶ مهر ۱۳۹۸**

**کار، نان، آزادی - حکومت شورایی**

## بهداشت و درمان رایگان حق همگانیست

زبند. رژیم برای مهار اعتراضات مردم خشمگین لردگان نیروهای ضد شورش را به شهر فرستاد و تعدادی از معترضان را دستگیر کرد.

همچنین ساکنان روستای چنار محمودی در واکنش به دروغ‌پردازی‌های حکومت، هنگام بازدید استاندار چهارمحال و بختیاری و معاون وزیر بهداشت از روستا، به ماشین حامل آن‌ها حمله کردند. نوع واکنش مردم روستای چنار محمودی، مردم شهرهای لردگان، ایلام، اصفهان و کاربران شبکه‌های اجتماعی نشان داد که همگی بر این مساله توافق دارند که رژیم جمهوری اسلامی مسئول اصلی این فاجعه است.

خشم مردم لردگان زمانی زبانه کشید که سعید نمکی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در نامه‌ای به وزیر دادگستری به تاریخ ۱۱ مهر، با وقاحت تمام علت آلودگی مردم روستای چنار محمودی را "معتادان تزریقی و افرادی با روابط نامطلوب" عنوان کرد. این نوع برخورد سعید نمکی البته چیز جدیدی در جمهوری اسلامی نیست، جمهوری اسلامی مشکلات و معضلات بیشماری را که در جامعه وجود دارد همواره یا انکار کرده است و یا با تحریف واقعیت‌ها و دروغ‌پردازی سعی می‌کند آن‌ها را به "دشمنان خارجی و داخلی جمهوری اسلامی"، و یا مردم محروم آسیب‌دیده نسبت دهد. برای نمونه مساله اعتیاد و معتادان که جمهوری اسلامی به جای این‌که به ریشه‌های این مساله از جمله فقر، بیکاری، نابرابری‌های اجتماعی و در نتیجه ناامیدی در بخشی از جامعه بویژه جوانان بپردازد که با بررسی ریشه‌ها نقش جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران هویدا می‌گردد، اعتیاد را جرم اعلام کرده و معتادان را مجرم که نصیب‌شان از زندگی، زندان و مجازات و ارسال به مراکز به‌اصطلاح بازپروری است که بدتر از زندان می‌باشند. این در حالی‌ست که امروز در جهان به معتاد نه به چشم یک مجرم بلکه به چشم یک بیمار می‌نگرند.

همین که سعید نمکی علت آلودگی مردم روستای چنار محمودی را البته به دروغ معتادان تزریقی اعلام می‌کند، خود بیان‌گر این است که جمهوری اسلامی از زیر بار وظیفه و مسئولیت خود شانه خالی می‌کند. چرا که وظیفه‌ی دولت است که به معتادان اولاً به چشم بیمار بنگرد و دوم این‌که دست به مداوای آن‌ها با امکانات خوب و رایگان بزند. این وظیفه دولت است. رسیدگی به معتادان البته یک جنبه مهم دیگر نیز دارد و آن کمتر شدن میزان جرم و جنایت در جامعه است که جمهوری اسلامی اصلاً به آن توجه‌ای ندارد.

اما مساله آلودگی مردم روستای چنار محمودی به ویروس HIV جنبه‌های دیگری نیز دارد و آن پنهان‌کاری رژیم در طول این سال‌هاست. جمهوری اسلامی همواره در تبلیغات خود

گسترش ویروس HIV را نتیجه زندگی "غربی" و "ولنگاری زندگی غربی" اعلام می‌کرد و مساله را به‌گونه‌ای درآورد که بیماران حتا جرات نکنند بیماری خود را علنی بیان کنند، چرا که از نگاه جامعه به خود و طرد شدن هراسان بودند. این نتیجه "تابو"هایی‌ست که جمهوری اسلامی برای تبلیغات مضحک خود در جامعه بوجود آورده بود.

اما حال که پرده برون افتاد و آلودگی بخشی از مردم روستای "چنار محمودی" که حدود ۱۸۰۰ نفر جمعیت دارد به مانند پتکی بر سر مردم آوار گردید، سعی می‌کند به شکل دیگری با جان مردم بازی کند و آن عدم ارائه اطلاعات درست به بیماران است. سعید نمکی جنایتکار در نامه‌ای به تاریخ ۱۵ مهر به سیامک میراب سمیعی مدیرکل "امور آزمایشگاه‌های کشور" از وی می‌خواهد تا پیرو تصمیم شورای امنیت ملی که در جلسه فوری آن به تاریخ ۱۴ مهر در خصوص حوادث لردگان برگزار شد، "برای پیشگیری از وقوع چنین حوادثی در سایر شهرها تا اطلاع ثانوی از اعلام نتیجه مثبت آزمایش HIV به مراجعین در تمام آزمایشگاه‌های کشور خودداری شود". اگرچه مقامات وزارت بهداشت سعی کردند وجود این نامه را تکذیب کنند، اما مردم با توجه به عملکرد همیشگی دستگاه‌های حکومت از جمله در رابطه با شیوع بیماری ایدز به وجود چنین نامه‌ای باور دارند.

پنهان کاری در مورد اخبار مربوط به بیماری ایدز چیز جدیدی نیست که انکار مقامات وزارت بهداشت بتواند آن را بپوشاند.

حتا حسن قاضی‌زاده هاشمی وزیر سابق بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این رابطه به‌طور مشخص گفته بود "تا وقتی تابوی ایدز شکسته نشود، روند صعودی مبتلایان کنترل نخواهد شد"، وی گفته بود: "پنهان‌کاری و ترساندن مردم موجب شده، تعداد مبتلایان به این بیماری طی ۱۲ سال گذشته تا ۹ برابر در کشور افزایش یابد. این به آن معنا است که تعداد مبتلایان به ایدز در کشور، سالانه تا ۸۰ درصد افزایش یافته... ما ابتدا کشورهای غربی را نعتها به‌دلیل شیوع بیماریان مبتلا به ایدز نکوش می‌کردیم، بلکه تا سال‌ها از روی اشتباه به رسانه‌ها اجازه انتشار مطالب در این زمینه را نمی‌دادیم. ما با بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی و تبلیغات اشتباه، مردم را از بیماری ایدز ترساندیم و ایدز را با هنجاری اخلاقی گره زده و آن را به بیماری مهلکی تبدیل کردیم" (۲۳ فروردین ۹۵ خبرگزاری ایرنا).

میفو محرز رئیس مرکز تحقیقات ایدز ایران نیز در دی‌ماه سال گذشته به خبرگزاری دولتی ایلنا می‌گوید: "متأسفانه برخی نظرشان این است که آموزش نوجوانان و آگاهی دادن به آن‌ها نسبت به بیماری ایدز بدموژی دارد و تبعات دیگری به دنبال خواهد داشت، به همین دلیل ترجیح می‌دهند

که درباره آن حرفی نزنند، اما مساله این است که عدم پرداختن به این بیماری خطرناک باعث می‌شود که نوجوانان با عدم آگاهی وارد روابط پرخطر شوند و نتیجه‌اش این است که متأسفانه آمار ایدز در میان نوجوانان نیز رشد چشمگیری داشته است، اما با این حال مسئولان بخش‌های آموزشی همواره ترجیح می‌دهند سکوت کنند و به انکار این موضوع مهم بپردازند که بسیار مخرب است". وی با اشاره به رشد ده برابری ایدز نزد زنان در سال‌های اخیر می‌گوید: "روسی‌گری و روابط آزاد عامل رشد ده برابری ایدز نزد زنان نیست؛ بلکه برقراری تماس‌های مشروع و عادی بین افراد مبتلا، سرایت ایدز را بالا می‌برد... در کمال تأسف، حال افرادی به ایدز مبتلا می‌شوند که سال‌هاست ازدواج کرده‌اند و بچه‌های بزرگ دارند". او می‌گوید: "در تمامی کشورها حتی کشورهای آفریقای که حدود ۴۵ درصد جمعیت مبتلا بوده الان روند ابتلا نزولی است برای این که دنیا به آن‌ها کمک می‌کند. اما در خاورمیانه و آفریقای شمالی، اکثر کشورها درگیر روند رو به افزایش هستند چرا که سیاست‌گذارهای این کشورها این بیماری را انکار می‌کنند". قابل توجه این‌که در تمام این کشورها اسلام در دولت و فرهنگ و آداب و سنن جامعه نقش مهمی دارد. دستگیری دو برادر با نام‌های کامیار و آرش علایی که از پیشگامان مبارزه با ایدز در ایران بودند در سال ۸۷ به اتهام‌های واهی، تنها به این دلیل بود که آن‌ها بخشی از واقعیت‌ها در رابطه با این بیماری را در ایران بازگو کرده بودند که در سال ۹۰ جمهوری اسلامی در اثر فشارهای بین‌المللی مجبور به آزادی آن‌ها شد.

در سال ۹۱ سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد نرخ رشد اپیدمی ایدز در ایران به صورت هشداردهنده‌ای در حال افزایش است، در آن زمان آمارها حکایت از آلودگی ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر به ویروس HIV در ایران داشت. براساس فرمول سازمان جهانی بهداشت برای تعیین تعداد مبتلایان به ایدز، میزان بیماران شناسایی شده در عدد چهار ضرب می‌شود که در آن زمان براساس آمار وزارت بهداشت ۲۲۷۲۷ نفر آلوده به ویروس HIV در ایران شناسایی شده بودند. هم اکنون آمار وزارت بهداشت حاکی از شناسایی بیش از ۳۴ هزار نفر مبتلا به ویروس ایدز است که اگر با همین فرمول محاسبه کنیم تعداد مبتلایان به ایدز حدود ۱۴۶ هزار نفر خواهد بود که البته به دلیل پنهان‌کاری‌های جمهوری اسلامی آمار واقعی می‌تواند بسیار فراتر از این رقم باشد.

اما نکته مهم دیگر عدم رسیدگی حتا به همین تعداد مبتلایان به ویروس HIV است. به‌طوری که گفته می‌شود از ۳۴ هزار نفر بیمار شناسایی شده، کمتر از نیمی از آن‌ها تحت درمان قرار دارند و این در حالی‌ست که درمان مبتلایان به ایدز باید کاملاً رایگان باشد و البته که کابینه روحانی بودجه‌ای برای این مساله مهم در نظر نگرفته است. به‌گفته‌ی علی اکبر سیاری معاون

در صفحه ۷

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت**

## بهداشت و درمان رایگان حق همگانیست

### پی‌آمد تجاوز نظامی ترکیه به منطقه کردنشین سوریه

بلکه داعش نیز بار دیگر فعال خواهد شد. در این میان سرنوشت نیروهای دمکراتیک سوریه و یگان‌های مدافع خلق چه خواهد شد. آن‌ها تاکنون تحت حمایت آمریکا قرار داشتند و به حمایت درازمدت آمریکا امید داشتند. این امید از آنجایی که واهی بود با اعلام این‌که آمریکا از پشت خنجر زد، پایان یافت. شاید برای کردهای سوریه که آن‌چنان دچار توهم شدند که رهبران آن‌ها امپریالیسم آمریکا را که مرتکب بزرگترین جنایات ضد بشری در یک قرن اخیر شده است، بزرگترین آزادیخواه جهان معرفی کردند، تجربه‌ای جدید بود، اما واقعیتی کهنه محسوب می‌شد. ماجرای ملا مصطفی بارزانی، ماجرای تشویق کردهای عراق به قیام پس از حمله صدام به کویت توسط بوش پدر و سرکوب آن‌ها توسط صدام بدون واکنش آمریکا، ماجرای رفراندوم اقلیم در کردستان عراق و نمونه‌های متعدد در هر کشور، تجارب متعددی بوده‌اند که کردهای سوریه می‌توانستند از آن‌ها بیاموزند که نیاموختند. در مقابل، اگر از مردم کرد در طول تمام این سال‌ها حمایتی به عمل آمد از سوی نیروهای چپ و کمونیست منطقه بود، همان‌گونه که امروز آن‌ها بدون اینکه کمترین قربانی با ناسیونالیسم کرد و افکار اوجالان داشته باشند، از مردمی در سوریه حمایت می‌کنند که در معرض ستمگری و تعرض یک رژیم ارتجاعی و تجاوزکار قرار گرفته‌اند.

اکنون نیز اگر ارتش ترکیه در اهداف خود موفق شود، کردهای سوریه مادام که در چهارچوب روش‌ها و طرز فکر گذشته بخواهند عمل کنند و از تجارب نیاموزند، چاره‌ای در برابر خود نمی‌بینند، جز این‌که به روسیه نزدیک شوند و با رژیم سوریه متحد گردند. در آن صورت بعید است که رژیم سوریه یک نیروی مسلح جدا از نیروهای مسلح خود و حتی یک خودمختاری محدود را در مناطق باقی‌مانده برای آن‌ها، بپذیرد. چراکه همین مسائل مورد اختلاف باعث به شکست انجامیدن مذاکرات گذشته آن‌ها شد. در هر حال، آن‌ها نمی‌توانند درحالی‌که از هر سو در محاصره‌اند، روی پای خود بایستند، یا باید در پی یافتن متحدانی در میان طبقات و اقشار مترقی و انقلابی سوریه باشند، یا کنار آمدن با بورژوازی سوریه. این مسئله فقط در مورد کردهای سوریه صادق نیست. در مورد تمام کشورهایی که کردها در آن ساکن‌اند از جمله ایران صادق است. بدون پیوند مبارزات مردم کرد با مبارزات سراسر توده‌های انقلابی، بدون استقرار یک حکومت کارگری، مردم کرد نخواهند توانست خواسته‌های خود را محقق سازند و از ستمگری دولت‌های حاکم ارتجاعی رهایی یابند.

وقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در آذر سال ۹۳ "هزینه ماهانه هر بیمار مبتلا به ایدز در ایران دو میلیون تومان است که اگر بیماری مقاوم شد، هزینه‌ها ۵ تا ۱۰ برابر افزایش می‌یابد". حال با توجه به نرخ تورم و افزایش هزینه‌ها بویژه در بهداشت و درمان بدیهی‌ست که هزینه معمولی یک بیمار مبتلا به ایدز در ماه به ده میلیون تومان رسیده باشد و باز بدیهی‌ست که کابینه روحانی چنین پولی را برای این مساله خرج نمی‌کند. با یک حساب سرانگشتی می‌توان دید که هزینه درمان همین ۳۴ هزار نفر بیش از ۵ هزار میلیارد تومان در سال است که کابینه روحانی حتماً ریالی بابت این مساله در بودجه خود پیش‌بینی نکرده است تا چه رسد به هزینه شناسایی و درمان کل بیماران مبتلا به ایدز که حداقل ۱۳۶ هزار نفر براساس فرمول سازمان جهانی بهداشت می‌باشند. به همین دلیل است که نه فقط ایدز، بلکه شاهد گسترش بسیاری از بیماری‌های ویروسی و کلا شاهد وضعیت اسفناکی در درمان و بهداشت جامعه هستیم و تاسف‌آورتر آن‌که هر سال دستیابی به خدمات درمانی و بهداشتی برای اکثریت بزرگ جامعه مشکل‌تر و هزینه‌آورتر می‌شود یعنی که وزیر سابق بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قاضی‌زاده هاشمی در فروردین سال ۹۲ اعتراف کرده بود که سالانه ۷ درصد از مردم تنها به خاطر هزینه‌های درمانی به زیر خط فقر می‌روند!!!

وقتی نصیر دهقان مدرس دانشگاه در رابطه با رشد بیماران مبتلا به ایدز می‌گوید: "ما نه تنها در ابتلا به ایدز رشد منفی نداشتیم، حتماً به صورت پیش‌بینی نشده شاهد افزایش در بحث بیماری‌های واگیردار به ویژه ایدز هستیم". دقیقاً تاکید بر همین مساله است که به دلیل کاهش خدمات بهداشتی و هزینه نکردن حاکمیت در امور درمان و بهداشت، نه فقط ایدز بلکه اساساً بیماری‌های واگیردار افزایش یافته‌اند.

برای نمونه آن‌چه که به عنوان سونامی سرطان رحم در ایران از آن نام برده می‌شود بیشتر به علت شیوع ویروس زگیل تناسلی است. مینو محرز در این رابطه می‌گوید بیش از نود درصد موارد سرطان دهانه رحم به این ویروس مربوط می‌شود که حتماً در مردان نیز این ویروس منجر به سرطان می‌شود. او در گفت‌وگو با "تندرست نیوز" در خرداد سال گذشته می‌گوید: "واکسن ضد این ویروس (گارداسیل) تا چندی پیش یک میلیون تومان قیمت داشته اما مشخص نیست که با افزایش قیمت ارز اکنون چقدر قیمت دارد". تاسف‌آور این‌که ایرج حریرچی سخنگوی وزارت بهداشت در همان خرداد سال گذشته از کمبود اعتبار مالی برای تامین این واکسن سخن گفته و از "موسسات خیریه" استمداد می‌طلبد!!

به‌گفته ی مصطفی اقلیم رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی و استاد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی (سال ۹۲) حداقل یک میلیون نفر در ایران به زگیل تناسلی مبتلا بوده‌اند!!! و این تنها یک نمونه است، آن وقت باید گفت یک کارگر یا معلم یا بیکار چگونه می‌تواند از پس این هزینه‌های سرسام آور برآید؟؟؟!

اما این هنوز پایان ماجرا نیست. بیماری‌های غیرواگیردار نیز در ایران شیوع وحشتناکی پیدا کرده‌اند. رئیس اداره بیماری‌های غیرواگیردار دانشگاه علوم پزشکی شیراز حسام‌الدین نوی‌زاده (ایسنا آبان ۹۳) از ابتلای ۵ میلیون ایرانی به بیماری دیابت خبر داد و پیش‌بینی کرد تا ۱۵ سال آینده ۶/۵ میلیون نفر در ایران به دیابت مبتلا باشند. یکی از علل اصلی گسترش بیماری‌های غیرواگیردار تغذیه ناسالم است که باز یکی از علل مهم تغذیه ناسالم فقر است. فقری که باعث شده است تا به جای لبنیات، گوشت، میوه و سبزیجات تازه، در سفره کارگران و زحمتکشان ایران فقط نان خالی باشد. کاهش سالانه مصرف سرانه این اقلام ضروری در میان خانواده‌ها بویژه خانواده‌های کارگری و دیگر زحمتکشان گواه این مدعاست. به‌گفته‌ی علی‌اکبر سیاری معاون سابق وزارت بهداشت (سال ۹۳) ۴۷ میلیون نفر در ایران تغذیه ناسالم دارند و طبیعی‌ست که بویژه در یکی دو سال اخیر این تعداد با شتاب فراوانی افزایش یافته باشد.

جمهوری اسلامی که حافظ مناسبات سرمایه‌داری در ایران است، به مانند دیگر دولت‌های سرمایه‌داری جهان معاصر که با در پیش گرفتن سیاست‌های نولیبرالی تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی را به عرصه تاخت‌وتاز سرمایه بدل کرده‌اند، بهداشت و درمان کارگران و زحمتکشان ایران را نیز قربانی آز و طمع سرمایه‌داران کرده است. هر سال شاهد افزایش هزینه‌های درمانی و بهداشتی هستیم، افزایشی که باعث محروم شدن کارگران و زحمتکشان از این حق بدیهی‌شان شده است. بهداشت و درمان حق همگانیست که دقیقاً به همین دلیل باید رایگان و با کیفیت مناسب در اختیار تمامی آحاد جامعه قرار گیرد. از همین‌رو در برنامه سازمان فدائیان (اقلیت) در رابطه با "وظایف فوری حکومت شورایی" ضمن تاکید بر این نکته که در صدر اقدامات اجتماعی و رفاهی حکومت شورایی برقراری یک سیستم تامین اجتماعی قرار دارد که تامین‌کننده منافع کارگران و زحمتکشان باشد، سیستمی که همگان از گهواره تا گور از مزایای آن بهره‌مند باشند، آمده است: "تمام زحمتکشان باید از امکانات بهداشتی، پزشکی، درمانی و دارویی رایگان برخوردار باشند".

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر



## مبارزه علیه اعدام، از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی جدا نیست

های سرمایه داری را بازتاب می دهد. سوی دیگر این کشاکش طبقاتی، مبارزه علیه اعدام و پیکار برای لغو آن است. چرا که این طبقه کارگر، توده های زحمتکش و نیروهای کمونیست و مبارز هستند که از لغو مجازات اعدام بیشترین بهره مبارزاتی نصیب شان می شود. از این رو، به موازات بهره گیری دولت های سرمایه داری از مجازات اعدام برای کاستن یا توقف مبارزات طبقه کارگر علیه نظم موجود، مبارزه علیه مجازات اعدام و تلاش برای لغو آن نیز در گستره ای به وسعت جهان شکل گرفت. بر بستر تشدید مبارزه طبقاتی علیه نظم موجود و درست در دورانی که نوک پیکان مجازات اعدام توسط دولت های سرمایه داری بیش از همه طبقه کارگر، نیروهای کمونیست و عناصر مبارز و آزادی خواه را نشانه گرفته بود، کمپین مبارزه علیه مجازات اعدام که از مدت ها پیش شروع شده بود، در دهه هفتاد قرن گذشته شتاب بیشتری گرفت. این مبارزه در دهه های پایانی قرن بیستم باز هم وسیعتر شد و در پرتو همگانی شدن و گسترش آن در عرصه جهانی، سرانجام در سال ۲۰۰۲ دو سازمان جهانی "عفو بین الملل" و "همبستگی جهانی علیه مجازات اعدام" بر آن شدند تا روز دهم اکتبر را به عنوان "روز جهانی مبارزه علیه مجازات اعدام" اعلام کنند. با انتخاب دهم اکتبر به عنوان "روز جهانی مبارزه علیه مجازات اعدام"، این دو سازمان بین المللی، در یک کارزار عمومی همه کشورهای عضو سازمان ملل را به توقف اعدام دعوت کردند. پس از این فراخوان عمومی بود، که مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر ۲۰۰۷ قطعنامه "منع جهانی مجازات اعدام" را با ۱۴۴ رای موافق، ۵۴ رای مخالف و ۲۹ رای ممتنع به تصویب رساند. قطعنامه ای که از همان آغاز با رای منفی دولت ایران مواجه شد.

جمهوری اسلامی، چین، آمریکا و تعداد دیگری از کشورها، از جمله ۲۰ کشور باقیمانده ای هستند که هم اینک مجازات اعدام را در دستور کار خود دارند. در این میان، جمهوری اسلامی و تعداد دیگری از کشورهای اسلامی بنا به سرشت دینی، خصلت طبقاتی و ماهیت ارتجاعی و سرکوبگرانه ای که دارند، پیگیرتر از دیگر کشورهای سرمایه داری مدافع مجازات اعدام، از این اقدام به عنوان مهمترین ابزار سرکوب دولتی در امر انقیاد کارگران و توده های زحمتکش جامعه بهره گرفته و می گیرند. پوشیده نیست که جمهوری اسلامی در راس همه این کشورها قرار دارد.

نگاهی مختصر به کارنامه ۴۰ سال جنایات دولت جمهوری اسلامی، نشان می دهد که این رژیم سفاک و آدمکش برای ماندگاری و استمرار حاکمیت جابرانه خود تا چه میزان از مجازات اعدام در مقابله با مبارزات توده های زحمتکش بهره گرفته است. جمهوری اسلامی به عنوان

یک نظام واپسگرا که در آن دین و دولت به شکل کاملاً عریان در هم ادغام شده است، برای کشتن مخالفین خود فقط از شیوه جوخه های اعدام و به دار کشیدن آنان بهره نگرفته است. هیات حاکمه ایران بنا به خصلت مذهبی و به تاسی از قوانین متحجرانه دین و شریعت در به کار گیری مجازات اعدام تا بدانجا پیش رفته است که از شیوه های بسیار وحشیانه اعدام هم بهره گرفته است. سنگسار زنان و پرتاب مردان از کوه دو نمونه دیگری از مجازات شنیع و غیر متعارف اعدام اند که جمهوری اسلامی از این شیوه های دوران بربریت و جاهلی نیز استفاده می کند. اعدام کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال، نمونه دیگری از توحش و بربریت رژیم جمهوری اسلامی است، که دستگاه قضایی آن از آغاز تا به امروز بدان عمل کرده است. اعدام کودکان و نوجوانان، بویژه در سال های نخست دهه ۶۰ آنچنان رایج و گسترده بود، که در تاریخ حیات ننگین جمهوری اسلامی می باید از آن به عنوان مخوف ترین جنایات هیات حاکمه ایران یاد کرد. در سال های اولیه برآمده از انقلاب و قیام شکوهمند ۲۲ بهمن ۵۷ به دلیل شرایط ویژه ای که بر جامعه حاکم شده بود، نوجوانان زیادی به عرصه فعالیت های سیاسی در مدارس کشیده شده بودند. بعد از وقایع ۳۰ خرداد ۶۰ و شروع اعدام های بدون محاکمه دستگیرشدگان آن سال ها، جمهوری اسلامی بسیاری از نوجوانان دانش آموزی را که در خیابان ها دستگیر شده بودند، بی محاکمه و بی توجه به سن و سال آنها به جوخه های اعدام سپرد. اقدامی که تا به امروز نیز در مواردی همچنان ادامه دارد. با این تفاوت که با گسترش اعتراضات داخلی علیه اعدام کودکان و با اعمال فشار نهادهای بین المللی، جمهوری اسلامی اکنون به شیوه دیگری مجازات اعدام کودکان "مجرم" را توجیه و به آن عمل می کند. در این سال ها، دستگاه قضایی رژیم کودکانی را که در سنین زیر ۱۸ سال مرتکب جرم می شوند، در زندان نگه می دارد و زمانی که این کودکان به سن ۱۸ سال رسیدند، حکم اعدام را در موردشان اجرا می کند.

طبق گزارش نماینده ویژه سازمان ملل برای نظارت بر نقض حقوق بشر در ایران، تنها در ۶ ماه اول ۲۰۱۴ دست کم ۸ نفر که سن آن ها به هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال بود، اعدام شده اند. همچنین طبق گزارش کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل که در سال ۲۰۱۷ منتشر شده است، از میان بیش از ۷۸ نوجوانی که حکم اعدام گرفته اند، دست کم ۵ نفر آنان در سال ۲۰۱۶ اعدام شده اند. اعدام نوجوانانی که به هنگام ارتکاب "جرم" به سن قانونی نرسیده بودند خلاف قوانین بین المللی است که دولت جمهوری اسلامی هم آن را تصویب کرده است. فراموش نکنیم که اعدام این تعداد از نوجوانان در سال های اخیر، تماماً در دوران ریاست جمهوری

حسن روحانی رخ داده است. همان رئیس جمهوری که در تبلیغات انتخاباتی خود رعایت "حقوق شهروندی" را به جوانان، زنان و توده های مردم ایران وعده داده بود.

از اعدام کودکان و نوجوانان که بگذریم، اعدام های وسیعتر و بعضاً در ابعاد دستجمعی همواره در مورد فعالین سیاسی و زندانیان مخالف جمهوری اسلامی به اجرا درآمده اند. اعدام هایی که در شرایط بحرانی و در زمان هایی که جمهوری اسلامی در شرایط وخیم و در خطر فروپاشی قرار گرفته است، با حدت و شدت بیشتری به اجرا درآمده اند. نمونه اش اعدام هزاران انسان مبارز و آزادیخواه و کمونیست در سال های نخست دهه ۶۰ بوده است. نمونه دیگرش کشتار جمعی هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۶۷ بود. کشتاری که به دنبال پایان جنگ ارتجاعی ۸ ساله میان ایران و عراق و نوشیدن جام زهر توسط خمینی، رخ داد. اعدام هایی که هرگز متوقف نشدند و در سال ۸۸ و پس از آن در دی ماه ۹۶ به اشکال دیگری ظاهر شدند. اعدام هایی که در سال های اخیر چه به صورت کشتن زندانیان بازداشتی زیر شلاق و شکنجه و چه به صورت صدور احکام اعدام برای دستگیر شدگان اعتراضات خیابانی، شکل آشکارتری به خود گرفته اند.

طبق گزارش هرانا، فقط از ۱۰ اکتبر ۲۰۱۸ تا ۸ اکتبر ۲۰۱۹، تعداد ۲۵۰ گزارش از سوی نهاد آمار و نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در رابطه با اعدام به ثبت رسیده است، که شامل محکومیت ۱۳۴ نفر به مجازات اعدام و اجرای حکم اعدام در مورد ۲۴۲ نفر است. از میان اعدام شدگان، دست کم ۱۶ نفرشان در ملاء عام حلق آویز شده اند و نیز از میان قربانیانی که هویت شان احراز شده است، ۱۲ نفر زن و سن ۵ تن از اعدام شدگان نیز در زمان ارتکاب جرم، کمتر از ۱۸ سال بوده است. کشته شدن ده ها تن از جوانان بازداشت شده خیزش قهرمانانه دیماه ۹۶ در زیر فشار و شکنجه و پس از آن اعدام ۲۲ نفر از دستگیرشدگان متهم به حمله رژه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در ۱۷ آبان ۹۷، که بدون آن که خبری در مورد تشکیل دادگاه و محاکمه شان انتشار یابد اعدام شدند، اجرای چندین حکم دیگر در دزفول و اهواز و نیز گزارش خبرگزاری هرانا از تعداد اعدام های یک سال اخیر، جملگی بیانگر این حقیقت محض هستند که تصور توقف مجازات اعدام در جمهوری اسلامی، تصویری بسیار کودکانه و باطل است.

جمهوری اسلامی به کرات نشان داده است که اعمال سرکوب و شکنجه و اعدام، یک بخش جدایی ناپذیر از خصلت دینی، ماهیت طبقاتی و سرشت ذاتی این نظام به غایت ارتجاعی است. مجازاتی که در شرایط بحرانی رژیم همواره اجرای آن در جامعه تشدید شده است. این را ما نمی گوئیم، این را تجربه ۴۰ سال کشتار و اعدام در جامعه به ما می گوید. تجربه استمرار ۴۰ سال اعدام مخالفین و کشتار معترضان خیابانی به ما می گوید، اگر چه پیکار و تلاش و مبارزه علیه



## اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست یورش ارتش ترکیه به کردستان سوریه را قاطعانه محکوم می کنیم

سر انجام بعد از یک دوره تبلیغات جنگی و تمرکز نیرو در مناطق مرزی، تهاجم ارتش ترکیه به مناطق کردنشین شمال سوریه آغاز شد. از همان آغاز عملیات در روز چهارشنبه نهم اکتبر جنگنده بمب افکن های نیروی هوایی ترکیه شهرک ها و روستاهای مرزی در کردستان سوریه را بمب باران کردند. در نتیجه این بمباران ها و یورش نیروهای زمینی ارتش ترکیه و مزدوران وابسته به آن تا کنون ده ها نفر از مردم بی دفاع کشته و زخمی شده و هزاران نفر از ساکنان شهرهای "تل ابیض" و "راسالین" و روستاهای منطقه آواره شده اند. حملات هوایی و زمینی ارتش ترکیه بعد از آن آغاز شد که مطابق توافق از قبل انجام گرفته میان سران دولت های آمریکا و ترکیه نیروهای آمریکایی از مواضع خود در مرزهای سوریه و ترکیه عقب نشستند و راه را برای تهاجم ارتش ترکیه و آتش باران مناطق مسکونی باز گذاشتند.

دولت ترکیه هدف اصلی خود از انجام این عملیات توسعه طلبانه را ایجاد یک منطقه حائل به طول چند صد کیلومتر و به عمق سی کیلومتر در خاک کردستان سوریه اعلام کرده است. دولت ترکیه طی سال های اخیر بارها اعلام کرده است در نوار حائل امنیتی که قصد ایجاد آن را دارد، اقدام به شهرک سازی کرده و دو تا سه میلیون از آوارگان جنگ سوریه که اکنون در ترکیه بسر می برند را در این مناطق اسکان داده و کنترل آن را به نیروهای اسلامی وابسته به خود واگذار خواهد کرد. در واقع دولت ترکیه با انجام این عملیات و با این اهداف جنایتکارانه که یادآور شهرک سازی دولت نژاد پرست اسرائیل در مناطق اشغالی فلسطین است قصد دارد بخش وسیعی از خاک کردستان سوریه را به اشغال خود در آورد و ترکیب جمعیتی این منطقه را بکلی عوض کند.

دولت ترکیه در حالی این جنگ ارتجاعی و توسعه طلبانه را به بهانه تأمین امنیت ترکیه آغاز کرده است که طی سالیان گذشته هیچگاه امنیت آن از جانب نیروهای حاکم در کردستان سوریه مورد تعرض قرار نگرفته است، بلکه این دولت ترکیه بوده که با حمایت از داعش و دیگر گروه های تروریست اسلامی و با اشغال عفرین و جنگ افروزی در مناطق دیگر امنیت و آسایش مردم این منطقه را بر هم زده است.

دولت جنایتکار ترکیه با برافروختن آتش این جنگ ارتجاعی در همان حال که می خواهد تجربه اداره خودمدربریتی کردستان سوریه و دستاوردهای مثبت جنبش توده ای در این منطقه را به شکست یکشانده، این هدف را نیز تعقیب می کند که شکست سیاست های توسعه طلبانه خود در طی سالهای گذشته را لاپوشانی کند و توجه افکار عمومی در داخل ترکیه را از ناکامی های سیاسی و پیامدها بحران اقتصادی به انحراف ببرد.

حمله نظامی دولت ترکیه به کردستان سوریه در توافق با دولت آمریکا و با حمایت ضمنی دولت های روسیه، سوریه و رژیم اسلامی ایران و با سیاست به غایت ریاکارانه ای که دولت های اروپایی در پیش گرفته اند، بار دیگر این حقیقت را آشکار کرد که جنبش حق طلبانه مردم کردستان برای رسیدن به اهداف خود هیچگاه نباید به دخالت و حمایت قدرت های امپریالیستی و قدرت های ارتجاع سرمایه داری در منطقه امید ببندند. بر خلاف ایدئولوگ های احزاب و نیروهای ناسیونالیست در منطقه که قدرت های امپریالیستی را پشت و پناه مردم ستمدیده کردستان می دانند، این تجربه تلخ به نوبه خود درسی است برای همه کارگران و زحمتکش و آزادی خواهان سراسر جهان، منطقه و ایران که نباید به امپریالیست ها و متحدینشان و دشمنان طبقاتی امید ببندند. این قدرت های ارتجاعی داعیه دفاع از حقوق بشر را نیز در خدمت اهداف تجاوزکارانه و غارتگرانه خود قرار می دهند. جنبش حق طلبانه مردم ستمدیده کردستان سوریه هم تنها باید به نیروی خود و حمایت همسرنوشتان خود در منطقه و جهان متکی باشند. بدون تردید اینبار نیز جنگ جنایت کارانه دولت ترکیه علیه مردم کردستان سوریه با مقاومت شجاعانه زنان و مردانی که برای دفاع از دستاوردهایشان از جان خود دریغ نمی کنند روبرو خواهد شد.

ما امضا کنندگان این بیانیه جنگ ارتجاعی دولت ترکیه به همراهی دولت آمریکا و حمایت تلوچی دولت روسیه علیه مردم کردستان سوریه را شدیداً محکوم می کنیم و خواهان پایان دادن فوری و بدون قید و شرط این جنگ تجاوزکارانه و بمباران مناطق کردنشین هستیم. در شرایطی که همه دولت های اروپایی و قدرت های ارتجاعی منطقه ریاکارانه جانب دولت اردوغان را گرفته اند، ما همه جنبش های پیشرو و انقلابی و انسانهای آزادیخواه در ایران و کشورهای جهان و منطقه را به حمایت از جنبش مقاومت مردم کردستان سوریه فرا می خوانیم.

**زنده باد جنبش مقاومت مردم کردستان سوریه !**

**مرگ بر دولت فاشیست ترکیه !**

۱۰ اکتبر ۲۰۱۹

امضا کنندگان:

اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه

کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

## مبارزه علیه اعدام، از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی جدا نیست

اعدام لحظه ای نباید متوقف گردد، اما همین تجربه تلخ ۴۰ ساله به ما می گوید، که مبارزه برای لغو مجازات اعدام در جمهوری اسلامی زمانی موثر و کارساز خواهد بود که این مبارزه صرفاً در محدوده کنش های حقوق بشری محدود نشود. اکنون کارگران، زحمتکش و تمام گروه ها و آحاد مختلف جامعه باید دریافته باشند که در حاکمیت جمهوری اسلامی، مبارزه علیه اعدام بدون مبارزه برای سرنگونی این رژیم آدمکش چاره ساز نیست. در شرایط فعلی که جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری در بحران های ژرف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی غوطه ور است و این احتمال هم وجود دارد که برای برون رفت از بحران به اعدام وسیعتر معترضین خیابانی روی آورد، مبارزه علیه اعدام به یک ضرورت در جامعه ما تبدیل شده است. با این همه از یاد نبریم، در حاکمیت جمهوری اسلامی مبارزه علیه اعدام، زمانی موثر است که مبارزه برای لغو مجازات اعدام در ایران در کارزاری عمومی و همگانی تر به مبارزه ای همه جانبه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی گره خورده باشد.



## مبارزه علیه اعدام، از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی جدا نیست

شمار دهقانی که شمشیر و گیوتین برپا دارندگان نظام فئودالی بر گردنشان فرود آمد. خون بی شمار کارگران و زنان و مردان کمونیست و آزادیخواهی که با رگبار جوخه های اعدام بر زمین ها ریخت. مجازاتی که نه فقط در دوران برده داری و فئودالیسم محدود نماد، که با شکل گیری نظام سرمایه داری ابعاد جهانی یافت و اینبار در قالب طناب دار و آتش مرگبار جوخه های حاکمان سرمایه، سینه ستنبر گروه های بی شماری از کارگران مبارز و کمونیست، نیروهای مترقی و آزادیخواه را نشانه گرفت. مجازاتی بیغایت شنیع و غیر انسانی که دولت های ستمگر و حافظ نظم سرمایه، برای تداوم استثمار و حاکمیت ستمگرانه خود از آن بهره گرفته اند. و دریغا چه بی شمار زنان و مردان کارگر و کمونیست، چه بی شمار انسان های آزادی خواه و مبارزی بوده اند، که در همین

عصر حاکمیت استثمارگرانه نظام های سرمایه داری، سینه های ستبرشان فوج فوج در زیر رگبار آتش جوخه های اعدام به خون نشسته است. در تمامی دوران های تاریخی، به کارگیری مجازات اعدام یکی از اصلی ترین ابزارهای کشتار و سرکوب توسط دولت های ستمگر جهت به انقیاد کشاندن توده های فرودست جامعه بوده است. مجازاتی که توسط دولت های سرمایه داری برای ایجاد رعب و وحشت در میان طبقه کارگر و توده های زحمتکش، برای به انقیاد کشاندن نیروهای مبارز و آزادیخواه، خصوصا نیروهای کمونیست به اجرا گذاشته شده است. اما اعمال اینهمه ستمگری و استفاده دولت ها از مجازات اعدام، فقط یک سوی کشاکش مبارزه طبقاتی طبقه کارگر با دولت های ستمگر نظام در صفحه ۸

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان  
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](http://kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 842 October 2019



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان های زحمتکش، شریف و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می شود.

مشخصات ماهواره های شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰  
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی:

**دوشنبه: ۲۲ تا ۲۴**

سه شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعداز ظهر

**چهارشنبه: ۲۲ تا ۲۴**

پنجشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعداز ظهر

**جمعه: ۲۲ تا ۲۴**

**شنبه: ۲۲ تا ۲۳**

شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعداز ظهر

یکشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعداز ظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی